

# زنهار !

## قانون را قاچاق کرده اند

در جهان امروزی ، بویژه سده ی بیست و یک ، برخی کارها و اجراءات در زمره ی ناممکنات بوده و غیر عملی است وگر کسی خیره سرانه به آن کار مبادرت ورزد نه تنها که قویا" مجازات میشود ، بلکه رسوای جهان میشود . تجاوز به زنده گی ، ناموس و ملکیت و دارایی اشخاص و بیت المال از اهم این موارد میباشد .

و اما در افغانستان پس از رویکار آمدن مجاهدین ( ۱۹۹۲ ) هر کار و هر عملی که دل اولیای امور بخواهد نه تنها که ناممکن نیست ، بلکه به یک کار عادی و روزمره مبدل شده است .

پس از آنکه قدرت بصورت صلح آمیز و بدون خونریزی به مجاهدین تسلیم داده شد ، آنها مانند اینکه کدام کشور خارجی را ، آنهم با زور و قوت اشغال کرده باشند نخست از همه سراسر افغانستان بویژه شهر کابل را به هشت بخش ( بین هفت تنظیم پشاور و یک گروه مشهدی ) بمتابۀ ملک شخصی تقسیم و فوراً " مصروف چور و چپاول ، بزن و ببند و بکش شدند . این اعمال آنقدر ننگین و شرم آور و مشمنز کننده است که انسان از یاد آوری آن خجالت میکشد و در تاریخ مانند ندارد . )) در پایان جنگ دوم جهانی با آنکه اردوی آلمان آغازگر جنگ بود و اسباب کشته شدن ملیونها انسان و ویرانی شهرهای زیبا و اتلاف ثروت‌های بشری را بوجود آورده بود ، پس از شکست ، به دو بخش خاوری و باختری آنها بین دو اردوگاه جهانی تقسیم گردید و بدون آنکه همانند

مجاهدین افغانی از همشهریان عادی به انتقام گیری آغاز شود ، مصروف آبادانی آن گردیدند )) .

پیش از آغاز جنگهای بین المجاهدین که طی آن کابل زیبا ویران و ده ها هزار همشهری به حالت فجیع کشته شوند ، به امر و تحریک آی. اس. آی. ، نواز شریف و مولانا های پاکستانی و ملاهای ایرانی ، مجاهدین ، در پهلوی قتل و غارت و سایر جنایات ، به ویرانی زیربنای اقتصادی و فرهنگی کشور پرداختند که حتی از قاچاق سیمهای انتقال برق ، ریشه های درختان میوه ، بویژه پسته ، گاوهای شیری فارمهای دولتی ، آثار باستانی و ... صرفه نکردند .

ته مانده ی این همه فجایع ، اسکلت های در هم شکسته ی کاخها ، بناهای دولتی و ... میباشند که در پهلوی نفرین گویی به ویرانگران ، شاهد گویای کنش های مجاهدین هستند ، ولی مهمتر از اینها جنایات بیسابقه ی ضد انسانی ( کشتار های دسته جمعی ، جینوساید ، زنده بگور کردن ها ، شکنجه هایی مانند سینه زنان را بریدن ، آنرا پختن و به زور بالای شوهران و اقارب شان خوردن ، میخ بر سر کوبیدن ، نمایش دد منشانه ی رقص مرده و ... ) میباشند که به حکم وجدان بشری باید از مرتکبین آن بازخواست صورت گیرد . اگر جنایات همانند پیش از سال ۱۹۹۲ نیز صورت گرفته باشد بروی اسناد ، مرتکبین آن نیز به پنجه ی عدالت سپرده شوند .

جنایت کارانیکه در پارلمان جهادی حضور دارند ، سه سال پیش مسوده ی قانونی را توطئه آمیز با اکثریت پنجاه جمع یک از ولسی جرگه ی پارلمان گذراندند که آقای کرزی از بیم انفجار اجتماعی ، آنرا نزد خود نگهداشت و با وجود تقاضاهای بار بار از امضای آن خودداری نمود . ولی اینک درین اواخر رسانه های گروهی خبر دادند که این قانون کذایی به جریده ی رسمی نشر و نافذ شده است .

واین صاف و سچ و پوست کنده ، قاچاق و آنهم قاچاق قانون که در سطح دنیا سابقه ندارد ، میباشد . مجاهدین در پهلوی دیگر افتخارات؟! با قایم کردن این ریکارد ( قاچاق

قانون ( افتخار!؟ دیگری کمایی کردند زیرا یک قانون تنها پس از توشیح آن توسط رییس دولت و در صورت مخالفت وی ، اخذ دو بر سه آرای نماینده گان پارلمان ، حیثیت قانون را بدست آورده و نافذ شده میتواند که قانون نام نهاد عفو عمومی مجرمین جنگی ازین خصوصیات عاری میباشد .

همین حالا در درون دولت اسلامی ، شورای ملی ، رأس ولایت ها و ... متهمین زیادی وجود دارند که در درازنای هشت سال از دولت اسلامی زیر اداره و حمایت ایالات متحده ، از جانب سازمانهای حقوق بشر ، عفو بین المللی ، متضررین و بازمانده های مقتولین ، تقاضای به عدالت کشاندن آنها صورت گرفته است که به این خواستها به بهانه های گوناگون ، منجمله اینکه (( این مجرمین جنگی در قدرت هستند اگر به محاکمه کشانیده شوند ، اوضاع وخیم و پیچیده میشود )) شانه خالی کرده اند .

برخلاف این ادعای کذایی ، حقیقت اینست که در موجودیت همین متهمان به جنایت ، اوضاع روز تا روز بدتر شده است .

وبه گفته ی مسولین نظامی ناتو و افغان همین جنایتکاران ، محرک بسا خیزش های ضد دولتی بوده و کنش های همانند طالبان افراطی انجام میدهند . چنانچه دو روز پیش ((درنه)) زدن یک زن را به امر و حضور یک قوماندان جهادی در ولایت بادغیس ، تلویزیونهای درونی و بیرونی به نمایش گذاشتند . به اولیای امور باید حالی شود که جهادی های امروز ، دیگر آن جهادی های تا دندان مسلح دیروز نیستند ، اینها همانند مار های بدون نیش هستند که تنها ((فش)) میزنند و نیش شان که همان سلاح های باد آورده بود ، کشیده شده است . وگر این جا و آنجا دست به کنش های طالبانی میزنند از بی خبری و بی تفاوتی دولت است و بس .

موجز اینکه به حکم وجدان ، بحکم انسانیت و دفاع از انسان هاییکه بدون گناه وبه ناحق سلب آزادی و سلب زنده گی شده اند ، بخاطر آزن بیگناهی که به خاطر تن ندادن به خواهشات نفسانی یک تفنگدار ، در ملای عام هتک حرمت شده است و در فرجام به خاطر دفاع از انسانیت ، آزادی و حق زنده گی ، نگذارید که جنایت کاران با استفاده از

قانون که خود شان هیچ گاهی آنرا مراعات نکرده اند ، از پنجه ی عدالت و انصاف فرار کنند .